

ترور شخصیت

شاید بتوان پیچیده‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین اقدام ساواک علیه آیت‌الله العظمی میلانی را پروژه «شایعه دیدار با شاه» دانست. هدف این پروژه، جدا کردن بدنه انقلابی جوان و پرشور از مرجعیت آیت‌الله العظمی میلانی بود. ساواک می‌دانست که اگر بتواند شائبه سازش با دربار را در مورد ایشان ایجاد کند، پایگاه مردمی آیت‌الله العظمی میلانی فرو خواهد ریخت. طاهر احمدزاده، از مبارزان آن دوران، روایت دقیقی از نقش محوری نوغانی در این توطئه ارائه می‌دهد. به گفته او، محمدرضا نوغانی زمینه‌چینی‌های مفصلی انجام داد تا هنگام سفر محمدرضا پهلوی به مشهد، فرزند آیت‌الله العظمی میلانی را در حرم مطهر رضوی به حضور شاه



رژیم پهلوی به خوبی می‌دانست که خطرناک‌ترین سناریو برای بقای سلطنت، اتحاد مراجع قم و مشهد و صدور بیانیه‌های هماهنگ در مناسبت‌های حساس است. بر همین اساس، مهمترین اقدام خائنانه نوغانی در سال ۱۳۴۴ عملیاتی شد. آن هم در آستانه سالگرد قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، که فضای سیاسی کشور ملتهب بود

بربرد. این اقدام، بهانه لازم را به دستگاه تبلیغاتی رژیم داد. بلافاصله رادیو سراسری اعلام کرد که آیت‌الله العظمی میلانی با شاه دیدار کرده است. احمدزاده با تحلیلی واقع‌بینانه می‌گوید: «حالا بگذار تکذیب نکنند. خوب چند نفر با سواد روزنامه را می‌خوانند؟ ولی رادیو را میلیون‌ها نفر در شهر و روستا شنیدند». این اقدام، ضربه‌ای کاری به وجهه آیت‌الله العظمی میلانی وارد کرد. پاداش این خوش خدمتی برای نوغانی بسیار چشمگیر بود؛ طبق گفته احمدزاده، او چهار قطعه زمین (دو قطعه از آستان قدس و دو قطعه از موقوفات مسجد گوهرشاد) را به عنوان صله این خیانت دریافت کرد. (۴)

آیت‌الله العظمی میلانی و اطرافیان ایشان تلاش بسیاری برای خنثی سازی این توطئه انجام دادند.

دفتر ایشان در روزنامه کیهان تکذیبیه‌ای منتشر کرد با این مضمون که «آیت‌الله میلانی از روزی که عارضه کسالت پیدا کردند تاکنون از خانه بیرون نرفتند». (۵) حتی در اسناد ساواک آمده است که آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در دیدار با فرزند آیت‌الله قمی، بر این نکته تأکید کرده که میلانی به دیدار شاه نرفته است، بلکه دستگاه حاکمه قصد تخریب وجهه او را دارد (۶) نکته تکان دهنده در اسناد ساواک، اصرار عجیب رژیم بر انجام این ملاقات یا دست کم جعل خبر آن است. سابقه این تلاش‌ها به سال ۱۳۴۱ بازمی‌گشت؛ زمانی که آیت‌الله العظمی میلانی در پاسخ به دعوت استاندار برای حضور در حرم هنگام ورود شاه، با شجاعت گفته بود: «اگر من یقین بدانم که وجودم در موقع آمدن شاه ضروری است از ایران به خارج می‌روم، به ملاقات شاه

نمی‌روم» (۷) حتی در سال ۱۳۵۲ خورشیدی، ساواک در یک گزارش داخلی پیشنهاد می‌دهد که فردی با تشابه اسمی (سید ابراهیم میلانی) را به مشهد ببرند و ملاقاتی ترتیب دهند تا روزنامه‌ها تیتربزنند: «آیت‌الله میلانی با شاهنشاه ملاقات کرد» (۸) این اسناد نشان دهنده عزم جزم رژیم برای شکستن حرمت آیت‌الله العظمی میلانی به هر قیمت ممکن بود.

بررسی اسناد پرونده نفوذ در بیت آیت‌الله العظمی میلانی، روایتی تلخ اما واقع‌گرایانه از پیچیدگی‌های مبارزه در دوره رژیم پهلوی را ارائه می‌دهد. این اسناد نشان می‌دهند که چگونه ساواک با شناسایی برخی افراد دارای نقطه ضعف و بهره‌گیری از شرایط، توانست جریان نفوذ را ایجاد کند. محمدرضا

نوغانی نماد جریانی است که با نقاب انقلابی‌گری، مهلک‌ترین ضربات را به بدنه انقلاب وارد کرد. با این حال، واقعیت درخشان دیگر در این اسناد، جوهره ظلم‌ستیز مرجعیت شیعه است. آیت‌الله العظمی میلانی با وجود محاصره توسط نفوذی‌ها، انزوا و بیماری، هرگز در اصول اساسی مبارزه (مانند مخالفت با اسرائیل و حمایت از امام خمینی (ره)) کوتاه نیامد. تاریخ قضاوت کرد که اگرچه نفوذی‌ها توانستند غبار شایعه را برای مدتی بر چهره خورشید بنشانند، اما نتوانستند مسیر کلی انقلاب را منحرف سازند. مطالعه این پرونده برای امروز نیز حاوی درسی بزرگ است: هوشیاری در برابر جریان نفوذ، که گاه نه در لباس دشمن، بلکه در کسوت نزدیک‌ترین دوستان و با سابقه‌ای درخشان از گذشته، در کمین نشسته‌اند.

پی‌نوشت:

- ۱- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۲) شهید حجت الاسلام فضل‌الله مهدی‌زاده محلاتی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، تهران: انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی، ص ۸۸.
- ۲- آیت‌الله العظمی سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۳۲۴.
- ۳- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ج ۳، ص ۲۷۰.
- ۴- مصاحبه طاهر احمدزاده با مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره کاست ۲۲۶.
- ۵- آیت‌الله العظمی سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۳۵۶.
- ۶- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۸) آیت‌الله العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۵۰۴.
- ۷- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ج ۱، ص ۷۱.
- ۸- همان، ص ۴۱۳

منبع: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

